رونمایی از ۲ کتاب با قابلیت تبدیل به فیلمنامه

دو کتاب استکاتو و اندیشه‌های یک مدیر تراز به قلم عیسی بزرگ‌زاده با موضوع آب و محیط زیست رونمایی شدند. فرهاد توحیدی، فیلمنامه‌نویس برجسته کشور که در آیین رونمایی این دو کتاب حضور داشت، معتقد است «استکاتو» از بهترین آثار داستانی است و این دو کتاب قابلیت تبدیل‌شدن به فیلمنامه برای فیلم یا سریال را دارند.

دعوت هنرمندان برای حضور در سایت فروش آثار تجسمی

به مناسبت رونمایی از زیرساخت گالری‌های آنلاین و شروع فعالیت وب‌سایت فروش آثار هنرهای تجسمی، فراخوان دریافت آثار تجسمی و کمپین تور مجازی ۱۰۰ اثر برگزیده از هنرمندان عرصه تجسمی برگزار می‌شود. ایسنا این خبر را منتشر کرده و نوشته علاقه‌مندان تا ۱۵ مرداد برای ثبت اثر در سامانه artfest.ir فرصت دارند. اسامی برگزیدگان و نحوه برپایی نمایشگاه به زودی اعلام می‌شود.

نمایی از فیلم «لاله» به کارگردانی اسدا... نیک‌نژاد/ عکس: روابط عمومی فیلم

...رهای دیگر می‌گوید

...تاه کن!

...قول خودشان خوب که کمدی است، دادند و این کار به سالن‌های کوچک رفت. البته پخش‌کننده‌ها تلاش کرده بودند کار را خوب انجام دهند اما عملا این اتفاق نیفتاد.

کرونا چقدر به اکران لاله و فروش آن ضربه زد؟

کرونا به همه‌چیز در ۱۶ ماه گذشته لطمات جدی وارد کرد. حالا به فیلم ما فقط ضربه مالی زده اما جان بسیاری را گرفته‌است. فروش نکردن فیلم من در مقابل جان انسان‌هایی که از دست رفتند، ارزشی ندارد. بنابراین کرونا، ویروس بسیار کثیف و منحوسی بود که جامعه جهانی را به مخاطره انداخت و فیلم لاله هم مصون از این مخاطرات نبود.

از لیپ‌سینک‌ها معلوم است که فیلم به زبان انگلیسی ساخته‌شده و بازیگرهای فرعی و اصلی همگی به انگلیسی بازی کرده‌اند. علت این کار و سپس دوبله آن چه بود؟

این فیلم از ابتدا قرار بود انگلیسی ساخته شود و قرار هم این بود ما به عنوان ایرانی در جامعه جهانی در بخش فرهنگ حرفی برای گفتن داشته باشیم و من خیلی سرفراز بودم که ما می‌توانیم حرف‌مان را به زبان بین‌المللی به گوش جهان برسانیم. اما در بخش داخلی مدیران محترم تصمیم گرفتند برای مردم ایران نمایش به زبان فارسی باشد که برای مخاطب عام راحت‌تر باشد.

آیا قصد دارید فیلم را با توزیع‌کنندگان خارجی در سینماهای کشورهای دیگر هم نمایش دهید؟

قصد ما این بوده و هست اما همان طور که سینماهای ما در ایران بسته است و تماشاگر رغبتی برای رفتن به سینما ندارد از آن بدتر در سینماهای جهان اتفاق افتاده. بنابراین الان فعالیت در سینماهای جهان بسیار سخت است. البته قبل از کرونا هم برای فیلم‌های خارجی بسیار سخت بود اما الان ۱۰۰برابر سخت‌تر شده‌است. اگر آن زمان در هر کشوری می‌توانستید پنج تا سینما را برای فیلم خودتان بگیرید بعد از آن همان تعداد را هم نمی‌توانید در اختیار داشته باشید. چون یا بسته هستند یا آنهایی که بازند ترجیح می‌دهند ظرفیت را در اختیار آثار پرفروش بگذارند. چون در خارج فروش فیلم، مثل ایران میان سینمادار و سازنده، ۵۰-۵۰ تقسیم نمی‌شود بلکه در سینمای حرفه‌ای، صاحبان فیلم و پخش‌کنندگان، سالن‌های سینما را از قبل برای فیلم‌هایشان اجاره می‌کنند و حالا هر مقدار که بخواهند اکران انجام می‌شود و بنابراین صاحبان سینما واقعا نقشی در فیلم ندارند که مثل ایران حتی به سازنده بگویند فیلمت بلند است و کوتاهش کن! به هرحال ما تلاش‌مان را برای اکران خارجی می‌کنیم و امیدوارم به نتیجه برسیم.

از بازی بازیگران ایرانی خصوصا با زبان انگلیسی راضی بودید؟

بسیار کار سختی بود اما بچه‌های ایرانی و هنرپیشه‌های ما انجامش دادند. همیشه می‌گویم شما به تام کروز بگویید یک کلمه را فارسی بگو نمی‌تواند چه برسد به این که بگویید برو درامش را بازی کن اما بازیگران ما آنقدر با استعداد و باهوش هستند که به غیر از زبان مادری‌شان هم می‌توانند درامی را بسیازند و بازی کنند و من فکر می‌کنم جامعه ما باید به هنرپیشه‌هایش افتخار کند که این قدر استعداد دارند.

به نظر شما سینمای ایران با این ظرفیت تولید و عوامل و بازیگران، چقدر قابلیت جهانی شدن دارد؟

من اصلا نمی‌فهمم جهانی‌شدن یعنی چه! به نظرم اصلا سوال درستی نیست. هرکسی در هرجای کره زمین قرار گرفته، همان جا برایش مرکز کره‌زمین است. یعنی اگر شما در روزنامه جام‌جم هستید همان روزنامه جام‌جم، مرکز زمین است. این را فراموش نکنید! بچه‌های ما در سینمای ایران چه فنی و تکنیسین چه، جلو یا پشت دوربین، همه در مرکز زمین هستیم منتها چون مدام به ما گفته‌اند خارجی‌ها بهتر هستند یادمان رفته که خودمان چقدر خوب هستیم و چقدر خوب می‌توانیم باشیم. واقعیت این است که انسان‌ها ظرفیت‌شان یکسان است. آن چیزی که خارجی‌ها را با ما متفاوت می‌کند آن باورهای آن خارجی و امکانات اجتماعی اوست. ما در ایران ظرفیت‌های بسیار بالایی داریم. چه جلوی دوربین چه پشت آن؛ که امیدوارم امکانات در اختیارشان قرار داده شود تا ظرفیت خودشان را نشان دهند و من به شما می‌گویم که چقدر جالب است که بعد از آن ایران مرکز زمین خواهد شد و خواهید دید که ظرفیت‌های ایران اگر بیش از خارج نباشد کمتر از آن نخواهد بود. البته امکانات متفاوت است که امکانات فنی و اجتماعی و سیاسی را شامل می‌شود و باید حل شود. الان اگر شما به شهرداری بگویید چرا از سینما حمایت نمی‌کند می‌گوید چون برای ما پول‌ساز نیست درحالی که هیچ جای جهان، هیچ شهرداری از سینما پول نمی‌سازد بلکه از آن حمایت می‌کند. لاله رفته به شهرداری گفته به ما بنر بدهید و آنها گفته‌اند نمی‌دهیم چون پول نمی‌دهید! همه چیز در تهران پول شده‌است. این دست مناسبات است که غلط است وگرنه ظرفیت‌ها بسیار بالاست.

در فیلم شما چهره‌ای که از موقعیت زنان در ایران به نمایش گذاشته می‌شود با چهره‌ای که در رسانه‌های خارجی وجود دارد، زاویه روشنی می‌گیرد. به عنوان یک ایرانی مقیم آمریکا، این تصویر را تا چه اندازه نزدیک به واقعیت می‌دانید؟ آیا زنان ایرانی فرصت پیشرفت و مبارزه برای خواسته‌هایشان را دارند؟ آیا قانون از آنان برای این پیشرفت حمایت می‌کند؟

کاملا درست است. چهره‌ای که من ترسیم کردم کاملا متفاوت است و من با همین نیت این کار را کردم چون باورم این است که زنان و مردان ایرانی همیشه بهترین بوده‌اند و خواهند بود.

حالا اگر در برخی مقاطع تاریخ جامعه به مشکلاتی دچار می‌شود معنی‌اش این نیست که جامعه، جامعه خوبی نیست. جامعه زنانی که من در ایران دیدم، جامعه‌ای نیست که برای نگرفتن حقوق‌شان در خانه بنشینند. نخیر! من باور دارم که زنان ایرانی بسیار باشهامت و باسواد و خانه‌دوست و جامعه‌دوست هستند و هرکدام هم که برای جامعه دلسوزی می‌کنند به این خاطر است که دلسوز نسل آینده ایران هستند.

زنان ما زنان دلسوز و در عین حال قدرتمندی هستند اما چهره‌ای که متاسفانه دنیای غرب از زنان ایرانی و خود ایران نمایش می‌دهد چهره قشنگی نیست. من هم با همین نیت این چهره را ساختم که دنیای غرب بتواند بفهمد ایران و زنان ایرانی مثل دیگر کشورهایی نیست و اتفاقا آنها روابط خوبی هم با آنها دارند! زنان ما بسیار شیک و بسیار باسواد هستند. تعداد زنان تحصیلکرده در ایران به مراتب بیشتر از کشورهای اروپایی است. تعداد زنانی که در ایران، PHD دارند فکر نمی‌کنم حتی با آمریکا قابل مقایسه باشد. همیشه دنیای غرب خصوصا تلویزیون‌های کشورهای عربی و منطقه درباره کشور ما حرف بد می‌زنند حتی جلوی فوتبال ما را هم می‌گیرند! به هرحال این دشمنی‌ای است که برخی کشورهای منطقه با ما دارند اما من معتقدم حق بر باطل پیروز است و آینده درخشانی در انتظار ماست.

چند روایت پیرامون هنر و ادبیات در زمان قطعی برق

تموم شد؟ خیلی تاثیرگذار بود!

صابر محمدی

ادبیات و هنر

دور جدید بروز اختلال در سیستم برق و اینترنت کشور و وقوع قطعی‌های مکرر در حالی وارد چهارمین روز خود می‌شود که هنوز چشم‌انداز روشنی برای بازگشت وضعیت به روال عادی موجود نیست. واکنش‌ها به بروز این وضع متفاوت بوده است؛ از واکنش‌های اعتراض‌آمیز نسبت به عملکرد اداره‌های برق و مخابرات در چند شهرستان گرفته تا طبق معمول واکنش‌هایی طنزآلود در شبکه‌های اجتماعی. در این میان، اهالی هنر و ادبیات هم چیزهایی نوشته و عکس‌هایی در این رابطه منتشر کرده‌اند؛ عده‌ای در گلایه نسبت به وضع موجود و عده‌ای باز هم با شوخی و کنایه.

جز واکنش‌ها، شاهد رویدادهایی هم در رابطه با هنر و ادبیات بودیم که تحت تاثیر قطعی‌های مکرر برق قرار گرفته‌اند. چند خرده‌روایت را در این باره مرور می‌کنیم.

Habib Rezaei @hrezaee · 8h

برق شدکالای لوکس...داشتنش پز داره...بار سوم هم امروز برق رفت.. در اصل امروز،دوبار برق آمد... مدیریت در همه چیز بیداد میکنه...

9 30 1,207

اهالی هنر با زبان فرهنگ به قطعی‌های برق واکنش نشان دادند بخشی از کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز برای گلایه از قطعی‌ها در فضای مجازی از فیلم‌ها و ادبیات وام گرفته‌اند

برق؛ کالای لوکس

حبیب رضایی از بازیگران فعال در فضای توییتر است؛ او اغلب نسبت به مقولات اجتماعی واکنش نشان می‌دهد و حالا هم با ماجرای قطعی برق این‌طور رفتار کرده: «برق شد کالای لوکس... داشتنش پز داره... بار سوم هم امروز برق رفت. در اصل امروز دوبار برق آمد. مدیریت در همه چیز بیداد می‌کنه»...

یادآوری سکانس برقی

یکی از کاربران شبکه اجتماعی توییتر، سکانسی از فیلم «پرزیدنت» را به اشتراک گذاشته و نوشته که قطعی‌های برق، او را یاد این سکانس انداخته؛ سکانسی که در آن، یکی با چراغ‌های شهر بازی می‌کند... روشن و خاموش‌شان می‌کند.

خاموشی در استودیو

یک خواننده و گرافیست هم در توییتر نوشته موقع ضبط صدا بوده که چند بار برق رفته است: «امروز تو استودیو بعد از یک ساعت تلاش داشتم مثل انسان ضبط می‌کردم که برق رفت و من یک ساعت دیگه داشتم تلاش می‌کردم که اعصابم آروم بشه که بتونم یک ساعت تمرین کنم که یک ساعت ضبط برم».

تموم شد؟ خیلی تاثیرگذار بود!

لابد شما هم آن کولاژ ویدئوی نوید محمدزاده در «متری شیش و نیم» و رضا عطاران در «هزارپا» را دیده‌اید که مدتی پیش دست به دست می‌شد؛ نوید محمدزاده در آن فیلم می‌گفت دلش پر می‌کشد یک بار دیگر معشوقش را ببیند و رضا عطاران در آن فیلم دیگر گفته بود: «تموم شد؟ خیلی تاثیرگذار بود». این بخش دوم را حالا ملت جدا کرده و نوشته‌اند انگار واکنش مسوولان برق کشور است به گلایه‌ها.

قطع برق در هیأت

دو ویدئو هم از قطع برق در جلسه دو هیأت هم دست‌به‌دست می‌شود که در یکی محسن عراقی مداح است و در دیگری محمدحسین پویانفر. در اولی ناگهان برق قطع می‌شود و میکروفن مداح از کار می‌افتد. او می‌گوید مگر قدیم‌ها چطور می‌خواندند و سینه می‌زدند و سعی می‌کند مراسم را بدون برق ادامه دهد. البته هر دو ویدئو قدیمی است اما این روزها به مناسبت، دوباره منتشر شده است.

سریال به‌موقع نرسید

تاثیر قطعی‌های مکرر برق به شبکه نمایش خانگی هم رسید؛ پخش قسمت آخر سریال «می‌خواهم زنده بمانم» به دلیل قطعی مکرر برق دوشنبه با اختلال در آماده‌سازی نسخه نهایی روبه‌رو شد. ماجرا طوری پیش رفت که این سریال با ۱۲ساعت تاخیر به دست مخاطب رسید.

یادداشت

جای خالی «ادب» در ماجرای قطعی برق

مهدی توکلیان

روزنامه‌نگار

آب به آسیاب دشمن ریختن کار سختی نیست و این روزهای پساکرونایی و در موج جدیدی که با نام دلتا آغوش به سوی مردم گشوده است، حوادثی تلخ و ناگوار در کنار مرگ عزیزان و شهروندان شنیده می‌شود که نشان از بی‌اهمیتی دارد و در برخورد با اتفاقات و مشکلات فرهنگ عذرخواهی را نیز فراموش کرده‌اند. درست مانند همین قطع برق طولانی‌مدت در بسیاری از مناطق پایتخت و شهرهای گوناگون و مشکلات عظیمی که فراروی مردم قرار گرفته است از سوختن وسایل برقی گرفته تا از بین رفتن مایحتاج مردم که در داخل یخچال‌ها و فریزرهای خانگی قرار دارد تا اختلال در روند ارتباطات و نیمه‌کاره ماندن روند درمان بسیاری از بیماران در فضای بیمارستانی تا منازل شخصی و سکوت عجیب و غریبی که دامنگیر بسیاری شده است. ادب از خصوصیات شاخص رفتاری هر انسانی است که جدای از فرهنگ و ملیت و قومیت دارای ارزش ویژه‌ای است و هرچند یک امر فردی و شخصی به حساب می‌آید ،اما در حوزه ارتباطات اداری و سیستمی و به عنوان پاسخگوی ارباب رجوع در هر نهاد و دستگاهی لازم است تا ضمن حفظ تکریم شخصیت مراجعه‌کنندگان از هرگونه بی‌حرمتی و بی‌ادبی دوری گزیده و به شایسته‌ترین نحوه پاسخگوی ارباب رجوع خود باشند و این مهم وظیفه اطلاع‌رسانی و حفظ شان مراجعه‌کنندگان هر دستگاه و نهاد اداری و دولتی یا خصوصی است که خدمات عمومی ارائه می‌دهند و در برابر ارائه خدمات مربوط از مردم و شهروندان حقوقی دریافت می‌کنند و چقدر برازنده است تا وزارت نیرو و مرکز اطلاع‌رسانی و ارتباطات این وزارتخانه مهم و تخصصی به آموزش نیروی انسانی خود بی‌اهمیت نبوده و نسبت به آموزش آداب و رفتار اجتماعی در جایگاه پاسخ‌دهندگان به ولی‌نعمتان خود یعنی مردم شریف ایران اسلامی همت گمارند و با برخوردهای زشت و دور از شئون انسانی و رفتار سازمانی دوری گزینند و در عصر تکنولوژی و دوران تطبیقی فعالیت‌های خود به رفتار متولیان و کارمندان وزارتخانه‌های همتراز خود در سایر کشورها مراجعه کرده و شیوه تکریم ارباب رجوع را نیز بیاموزند و به کار گیرند تا اعتراض‌های مردم در فضای مجازی منتشر نشود و به راحتی سوژه رسانه‌های معاند فارسی‌زبان را فراهم نکنند و در دورانی که رسانه‌ها در عصر اطلاعات مهم‌ترین نقش را در پوشش خبری رخدادها و تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایفا می‌کنند انواع رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری، اینترنتی و دیجیتالی می‌توانند بر نوع شکل‌گیری افکار عمومی تأثیر گذاشته، روندهای سیاسی و اجتماعی هر جامعه را به سمت و سوی خاص هدایت کنند. وظیفه مراکز اطلاع‌رسانی ایجاب می‌کند تا نسبت به شفاف‌سازی و برخورد صحیح و منطقی نسبت به افکار عمومی بی‌تفاوت نبوده و نقش‌آفرینی کنند و به‌طور کلی رسانه‌های نوظهور و نوین در فضای مجازی و روند رو به رشد سرعت اطلاع‌رسانی و گسترش اخبار در کسری از ثانیه، با ظرفیت‌های خاص خود می‌تواند به منبعی برای تهدید علیه امنیت ملی کشور در عرصه جنگ نرم تبدیل شود و زمینه فعالیت دشمنان ایران اسلامی را در حوزه‌های معیشتی و مورد نیاز مردم فراهم کند. و چه ناگوار است هر از چند گاهی رسانه‌های معاند فارسی‌زبان ،اعتراض‌های مردم ایران اسلامی را در کنار بی‌تدبیری و بی‌کفایتی برخورد برخی مدیران و متولیان موضوعات مهم این روزها کرده و کلیدواژه‌های تلخ و ناراحت‌کننده‌ای را با عناصر خبری ترکیب می‌کنند و با عنوانی ضرباهنگ‌دار این خبرهای تلخ را از طریق رسانه خود اعلام می‌کنند. و شاید درد بسیاری از مردم فهیم در این سرزمین شیعی و اسلامی این است که مقصران و اهانت‌کنندگان، حتی به دروغ و برای ریا و تظاهر هم حاضر نیستند با جماعت دردمند و گرفتار همراهی کنند و برای برطرف‌کردن مشکلات مردم اقدامی کنند، چرا که احترام به مخاطب که از اصول اولیه ارتباط است به فراموشی سپرده شده است.